خبر

اعلام برنامه‌های تئاتر کانون برای نوروز

معاون تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اعلام کرد برنامه‌ریزی‌ها به گونه‌ای است که اجراهای تئاتر کودک و نوجوان در کانون از ۶ فروردین ۱۴۰۲ آغاز شود.

سعید زین‌العابدینی درباره برنامه‌های کانون در زمینه تئاتر برای نوروز ۱۴۰۲ به خبرنگار مهر گفت: در حال برنامه‌ریزی هستیم تا در هفته اول و دوم تعطیلات نوروز ۱۴۰۲ اکران آنلاین فیلم‌تئاترهای کانون را به صورت رایگان برای مخاطبان در سراسر کشور داشته باشیم. وی ادامه داد: قصد داریم فیلم‌تئاترهای شاد یا مرتبط با نوروز را برای خانواده‌ها و کودکان اکران آنلاین داشته باشیم تا اوقات مفرح و شادی را برای‌شان رقم بزنیم.

زین‌العابدینی درباره زمان آغاز اجراهای عمومی تئاترهای کودک و نوجوان سالن‌های مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون در سال ۱۴۰۲، تأکید کرد: برنامه‌ریزی و تلاش‌مان بر این است که از ۶ فروردین اجرای عمومی آثار در سال جدید آغاز شود و میزبان خانواده‌ها باشیم. وی درباره برنامه‌ریزی برای انجام فعالیت‌هایی مرتبط با ماه مبارک رمضان برای کودکان و نوجوانان در ایام نوروز ۱۴۰۲، گفت: یقینا برای ماه مبارک رمضان هم برنامه‌های متنوعی نظیر پرده‌خوانی برای کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها خواهیم داشت که عنوان فعالیت‌ها و تاریخ برگزاری آنها به‌زودی اعلام می‌شود.

مجسمه‌سازی در گفت‌وگو با «جام جم»

ی بدون جنگ و خونریزی

ید، برای قفل‌های جهانی است

هستند. حتی ممکن است برای این مقبره شهدا، پنج ستون اصلی را با نقوش هخامنشی به‌عنوان نمادی از پنج تن بگذارم. حتی در این مفهوم کار دیگری هم در کرج مثل پیچ به‌عنوان یک کار دفرمه انجام دادم. در حقیقت هنرمند می‌خواهد بیننده را به تفکر وادار کند اما از طرفی دیدگاه بصری ما به‌طور دائم دارد از خودش دور و تفکر از یاد برده می‌شود.

چرا در آثار شما نگاه سوررئالیستی، تعدد زیادی ندارد؟

به نظرم سفارش‌دهنده این موضوع را نمی‌طلبد و اگر طلب کند، انجام می‌دهم. البته نمونه‌هایی هست، حتی آثار انتزاعی هم در میان کارهایم دیده می‌شود. به‌عنوان‌مثال، در مجتمع تجاری یادمان در کرج، سفارش یک اثر با اقتباس از آثار هخامنشی مطرح شد اما گفتم این موضوع به اینجا مکان نمی‌خورد. من سازه دیگری را شبیه بته‌جقه ساختم که به شکل دورانی بالا می‌رود. امام‌جمعه آنجا گفت این طرح شبیه سازه‌های فراماسونری نیست؟ من هم مفهوم عناصر اثر را برای او توضیح دادم و با رمزگشایی اثر اتفاقا طرح مورد توجه ایشان قرار گرفت. اثری را برای پارسیان کرج سفارش دادند و گفتند می‌خواهند نمادی ایرانی باشد اما از این بت‌ها نباشد! پرسیدم کدام بت‌ها گفتند دروازه ملل، این‌طور شد که حدود یک‌ساعت برای‌شان مفاهم مستتر در دروازه ملل را توضیح دادم و درنهایت گفتند دو اثر برای ورودی بگذارید! برخی انسان‌ها براساس عدم دانایی تصمیم می‌گیرند و اگر به آنها آگاهی داده شود و تصمیمات‌شان براساس دانایی‌های‌شان باشد، ماندگار می‌شود.

آگاهی از نظر شما چیست؟

آگاهی خیلی درجه بالاتری دارد. «آ» یعنی شما و وقتی در «گاه» زمان حال، قرار بگیرید تبدیل به آگاه می‌شود، مثل دانش+گاه، فروش+گاه؛ جالب این‌که اگر این مفاهیم در زمان حال تعریف نشود، جزو ابزار شیطان است؛ یعنی ما باید چیزی را در فروشگاه بفروشیم یا در دانشگاه ارائه دهیم که به‌روز باشد.

با این وجود در تدوین مفاهیم تاریخ معاصر چه باید کرد؟

بهتر است بگوییم مفاهیم انسانی، چون درنهایت معانی به مفاهیم انسانی تبدیل می‌شود.

آیا به این فکر کردید که این مفاهیم را به شکلی منتقل کنید که برای نسل نو تبیین شود؟...

بله، به نسبت زمان و مکان جغرافیایی، به عنوان مثال اگر در آثار دقیق شوید، متوجه می‌شوید که بشر در حال تخریب سیستم زیست‌محیطی است.

پس می‌شود براساس سفارش آنچه مدنظرتان هست را نیز منتقل کنید؟

دقیقا.

شما آثار قابل توجهی مثل کوشک نخبگان در سازمان ملل را دارید که ماندگار شد، در باره این اثر بگویید؟

به طور کلی من خیلی کار کردم. مثلا مجسمه سه متری از ریزعلی خواجوی دارم که برای دل خودم ساختم و الان در کارگاه هم است. یکی از آن کارهای دلی کوشک نخبگان، مشاهیر و اندیشمندان است که هدیه ایران به مقر انرژی اتمی در اتریش است. آقای سلطانی در آن زمان نماینده ایران در آژانس بود و در جلسه‌ای فکر کنم یک انگلیسی توهین می‌کند که شما وحشی و تروریست هستید. آقای سلطانی ناراحت می‌شود و می‌گوید آن موقعی که ما تمدن داشتیم، شما در جنگل شبیه تارزان زندگی می‌کردید. به همین دلیل طرحی می‌دهد که اجازه دهید ما یکی از آثار تمدنی خود را در اینجا پیاده کنیم و به دلیل این‌که باید وزن و ابعاد آن محاسبه می‌شد، قرعه به نام من که قبلا نمونه‌های این کار را انجام داده بودم، افتاد.

می‌دانید غیر از شما چه افراد دیگری بودند و چه طرحی را ارئه دادند؟

افراد دیگری بودند اما امکان‌پذیر نشد. به عنوان مثال، می‌خواستند طرح گنبد را بدهند که آنها قبول نکردند. من این طرح را به سمت معماری خورابه (به معنای تجلی نور خورشید در آب) بردم. پس از آن چهار مشاهیر، زکریای رازی، خیام، ابن‌سینا و ابوریحان را در آن کوشک کار کردم که در دنیا بی‌نظیر و شناخته‌شده هستند. من به سیاستمدارانی که بانی این کار بودند، گفتم ما ۵۰ متر از خاک اتریش را به این شکل، که ممکن است میلیاردها قیمت داشته‌باشد، بدون خونریزی گرفتیم. گفتم بیایید این سیاست پرداختن به فرهنگ را ادامه دهید. یادم هست، یک روز درحال تصحیح تاریخ تولد زکریای رازی روی مجسمه کوشک بودم و سفیر تاجیکستان دستش را به کمرش زد و گفت می‌دانی که این شخصیت فرهنگی متعلق به کشور ماست؟... گفتم بله، ولی آن زمان کشور شما جزو ایران بود. پس از ساخت این بنا، کشورهای دیگر هم آمدند و خواستند که سازمان ملل اجازه دهد برای‌شان چنین بنایی ساخته شود اما آنها گفتند نه، شما به اندازه ایران صاحب تمدن نیستید. به همین دلیل است که بسیاری کشورها در حال ساخت و جعل شناسه‌های تمدن هستند. جالب این‌که کشورهای عربی کوچک با ایجاد سازه‌های تمدنی، خودشان را به سمت مصر می‌برند و آمریکایی‌ها تمایل به سمت تمدن ایران دارند؛ یعنی در آینده تاریخ اگر شما نشانه‌های تمدن ایرانی بخواهید، باید به آمریکا بروید و آن را ببینید. به عبارتی، تمدن ایرانی را به غرب می‌برند اما به نظرم این یک اشکال بزرگ دارد؛ مثل این است که قلب‌تان را زیر پای‌تان بگذارید. باراک اوباما سالی که رئیس‌جمهور شد به فارسی گفته بود که تمدن دنیا متجلی از تمدن ایرانیان است و نوروز را تبریک گفت؛ جمله‌ای که از زبان فرهیختگان دیگر کشورها هم بارها شنیده‌ام!

شخصیت‌های فرهیخته این جملات را به کار می‌برند اما ساختار فرهنگی آنها علیه این جملات است.

معتقدم بعد از جنگ جهانی دوم، ما را به‌خوبی شناسایی کردند و این بلاها را بر سر ما آوردند.

نمونه‌های بسیاری قبل از جنگ جهانی هم دیده می‌شود؟ مثلا صهیونیست‌ها که مدعی هستند دنیا را اداره می‌کنند. در دل تاریخ هم ریشه‌های این دیدگاه دیده می‌شود، وقتی آنها به حکومت‌ها نزدیک شدند، قتل‌عام، خونریزی و فاجعه بشری رخ داده‌است که مهم‌ترین آن در ایران مربوط به داستان استر و مردخای است که در آن گفته می‌شود چگونه مردم ایران را قتل‌عام کردند. در تاریخ متاخر غربی‌ها تلاش می‌کنند ایران را از دفتر تاریخ پاک کنند و در منابع تاریخی جدید ردپایی از ایران نیست. در کتاب‌های تاریخ لباس، تاریخ ابزار جنگی، تاریخ غذا و ... که مصور، نفیس و گران قیمت منتشر می‌شود، به شکلی شگفت‌انگیز ردپایی از ایران نیست. تصور کنید ایرانی‌ها اولین تمدنی هستند که پوشش دوخته بر تن می‌کنند و اولین تمدنی است که فولاد را به کار می‌گیرد، بعد در این دانشنامه‌ها نه سرفصل ایران هست، نه ارجاعی به آن! همچنین در فیلم‌ها و انیمیشن‌ها روایت خودشان را از ایران دارند...

به نظرم هرکاری انجام دهند عیبی ندارد؛ زیرا در نهایت انسانیت و اخلاق انسانی مربوط به شرق است و هبوط بسیاری از پیامبران از شرق و در منطقه سرزمینی ایران بوده‌است.

هر ایرانی مانند یک لوح فشرده پر از رمز است که شامل پسوردها و کلید قفل مسائل جهان است. امکان باز کردن قفل‌ها با این فرد ایرانی وجود دارد. بی‌سوادترین فردی که از ایران می‌رود و آنجا کار می‌کند، جزو یکی از مدیران خوب می‌شود

شما تجربه کار در کشورهای مختلف از جمله کشورهای خلیج‌فارس را دارید. وقتی مردم آنجا مطلع می‌شوند شما ایرانی هستید، چه عکس‌العملی دارند؟

آنها وقتی می‌فهمند ایرانی هستی و یک تخصصی دارید، سریع می‌خواهند تو را با هر راهی جذب کنند و بدزدند. این بستگی دارد به این‌که چه شغلی داشته‌باشی، کاسب باشند شما را به عنوان توریست می‌بینند. اگر مرد قد بلندی باشید، می‌خواهند با شما ازدواج کنند و نسل‌شان را با زن ایرانی قوی کنند. اگر بخواهی خون بدهی، طمع دارند و آزمایش می‌کنند تا از این ژن استفاده کنند. اگر بچه نخبه‌ای باشی، در دانشگاه‌های‌شان تو را با بورسیه و رایگان می‌پذیرند. همان طور که تمدن از شرق است، هر انسان ایرانی مانند یک لوح فشرده پر از رمز است که شامل پسوردها و کلید قفل مسائل جهان است. امکان باز کردن قفل‌ها با این فرد ایرانی وجود دارد. بی‌سوادترین فردی که از ایران می‌رود و آنجا کار می‌کند، جزو یکی از مدیران خوب می‌شود. ما باید این بستر را در ایران پیاده کنیم. اما کارها برعکس است؛ به عنوان مثال، دخترم می‌گوید من اینجا نمی‌مانم و باید جایی برود که بستر رشد مهیا باشد. اگر شغل‌های مناسبی ایجاد کنیم که این استعدادها را پرورش بدهد، ماندگاری نسل‌های جدید شدنی است.

شما طرحی به نام دانش‌کار داشتید، آیا به صورت پایلوت آن را اجرا کردید؟

طرح من این بود که به جای نمره دادن به بچه‌ها حقوق بدهیم؛ یعنی وقتی شخصی کاری را یاد گرفت، به نسبت استعداد و فعالیتش حقوق بگیرد و در ادامه وام بگیرند، به اسم خودشان کارگاهی بزنند نه این‌که بعد از دریافت مدرک بیکار شوند. در آن طرف مرزها شما را آموزش می‌دهند و می‌پذیرند تا در رشته‌ای که می‌خواهند استخدام شوید؛ یعنی هم پول می‌دهند و هم آموزش و شما به تدریج جزو سیستم و دستگاه می‌شوید. جسته گریخته این کار را پیاده کردم، اما چون هنوز بستر مناسبی برای آن فراهم نیست، پیش نرفته‌است.

پروژه دانش‌کار نیاز به سفارش‌های کلان دارد، ابعاد کارگاه شما چه اندازه است که این پروژه را در آن پیش می‌برید؟

کارگاه ما هزار متر است و به اندازه خودمان هم کار داریم. من دیدم ممکن است از وقت و آزادی‌ام گرفته شود و باید دنبال پول بروم، سعی کردم نیروها را کم و تعدیل کنم، اما با همین تعداد هم کار می‌کنم. معتقدم باید کسانی را که شبه روشنفکر نیستند جذب کرد، این جماعت تن به کار نمی‌دهند، اما هنرمندی که از دل جامعه جذب شود کار یدی انجام می‌دهد و بینش کارگری دارد. بینش کارگر این است که اول از آنچه انجام می‌دهد، ارتزاق کند و به فکر خانواده و زندگی و بعد به فکر اهداف خود باشد. منظور این است که به قول بزرگان باید بجنبیم و خودمان قدر خودمان را بدانیم. هر انسانی باید با عمل و محصولش انسانیت خود را ثابت کند. اگر هر عملی را که انجام می‌دهیم در جایگاه و شرایط خودش انجام پذیرد موفق خواهیم شد.

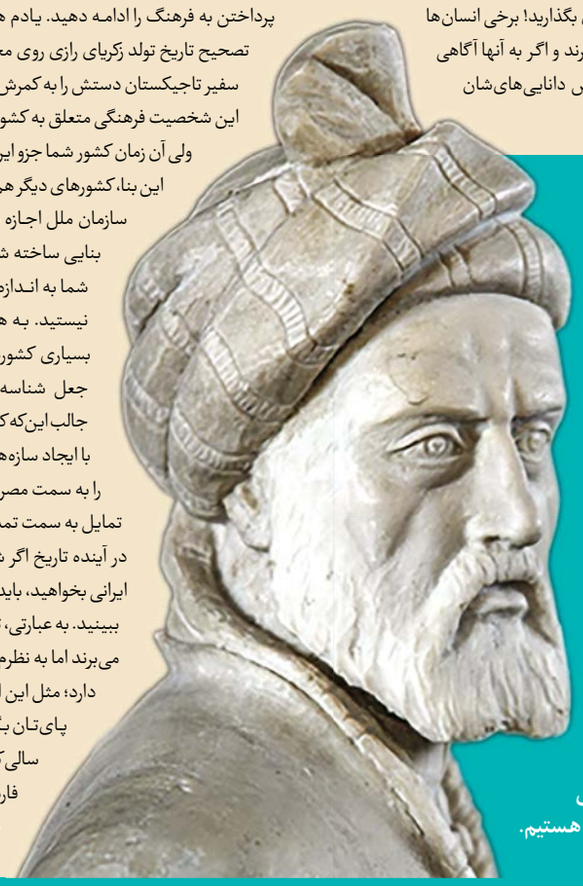

برش

درباره مشکی که به نیت حضرت ابولفضل (ع) ساختید هم بگویید؟

همیشه از بچگی دوست داشتم شخصیت حبیب‌بن مظاهر معلم امام‌حسین(ع) را بشناسم و جالب است که بازسازی مقبره ایشان به من سپرده شد. داخل مقبره در حال کار بودم و داخل ضریح نشسته‌بودم سنگ‌ها را دربیاوریم و مرمت کنیم. یک نفر پرسید چه کار کردی که توانستی داخل ضریح بروی؟... گفتم اگر زمان امام‌حسین(ع) بودم آنگاه که چراغ‌ها را خاموش کرد تا افراد بدون شرم بروند و در جنگ کشته نشوند، من جزو اولین افراد ترک‌کننده بودم و الآن دارم کفاره آن نیتم را می‌دهم! یک آب‌نما کار کرده‌بودیم و به این نیت روی آن کار کردم و مشک سنگی هفت‌متری را تراشیدم که به کربلا بفرستیم، اما با قضیه ورود داعش روبه‌رو شدیم و گفتند آنجا نبرید و الان در مصلای کرج است. کف‌العباس را هم به من دادند که در ۱۲ صحنه کار کردم. مشک حضرت‌عباس(ع) را همراه با تیری که روی آن می‌خورد، کار کردم. همچنین داخل کاسه ۱۲ امام را کار کردم. برخلاف ادعاهای غرب گرایان علاقه‌مندی به فرهنگ، آمیخته با علاقه‌مندی به دین است. هرجا که هستی باید فرهنگ و تمدن خودت را درست ببینی؛ بنابراین من هم از آثار تاریخی صحبت می‌کنم و هم از شیعه و همان نقوش پنج تن و دوازده امام را در تخت جمشید پیدا می‌کنم. من در مالزی برای مسابقات آیتکس ۲۰۱۰ درباره این نقوش صحبت می‌کردم و یک نفر گفت تو از برهمنی و بودایی صحبت می‌کنی، بیا در معبد ما شب سخنرانی کن، گفتم نه، من از اسلام می‌گویم. حقیقت هرجا باشد، مشخص می‌شود و دین همان عصاره حقیقت است. آدم به جاهایی می‌رسد که نمی‌تواند خودش را در محدوده زمانی خاصی بگنجاند. ما خیلی متناهی‌تر از اینها هستیم.

گزارش

۸ نگارخانه جدید و ۳۸۷ نمایشگاه در سال ۱۴۰۱

مدیر کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به بیان آماری درباره فعالیت‌های این مرکز پرداخت.

نشست اصحاب رسانه با مدیر کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دیروز برگزار شد. در بخشی از این جلسه عبدالرضا سهرابی به بیان آماری درباره عملکرد مرکز هنرهای تجسمی در سال ۱۴۰۱ پرداخت.

سهرابی با بیان این‌که آمارهای تجمیعی پاسخگوی بسیاری از موارد و سؤالاتی است که در این مدت مطرح شده‌اند، گفت: امسال تعداد مجوزهای صادر شده برای برگزاری نمایشگاه در نگارخانه‌ها، در شش ماهه اول ۳۱۲ عدد بوده است، در ۹ ماه این عدد به ۳۵۱ و تا پایان سال به ۳۸۷ عدد رسیده است. همچنین از ابتدای سال، هشت مجوز برای تأسیس نگارخانه‌های جدید صادر شده و در زمینه مجوز نگارخانه‌ها، ۱۴ مورد در شش ماه نخست و تا پایان سال مجموعا ۵۸ مجوز تمدید شده است.

او با اشاره به درخواست تعدادی از هنرمندان برای صدور گواهی هنری گفت: در شش ماه نخست ۲۷ گواهی و تا پایان سال ۴۶ گواهی هنری برای هنرمندان تجسمی صادر شد.

سهرابی ادامه داد: برای خروج آثار هنری از کشور، در شش ماه نخست ۱۰۷۸ اثر مجوز دریافت کردند. این عدد در ۹ ماه به ۱۷۴۰ و تا پایان سال به ۲۳۸۴ رسید. از میان درخواست‌هایی که به دست ما رسیده بود درنهایت ۳۵ اثر نتوانستند مجوز دریافت کنند و با خروج آنها از کشور مخالفت شد. بیشتر آثاری که از کشور خارج شد یا همین جا به فروش رسیده بودند یا برای شرکت در نمایشگاه‌ها و آرت‌فرها ارسال شدند. این مسأله برای کشور ارزآوری داشته و موضوعی مهم در اقتصاد هنر است.

او با بیان این‌که ارتباط با صندوق اعتباری هنر موضوعی جدی برای هنرمندان است، گفت: ۱۸۲ هنرمند در شش ماه نخست و مجموعا ۳۲۹ هنرمند تا پایان سال برای عضویت در صندوق اعتباری هنر معرفی شدند. همچنین برای تمدید عضویت ۱۴۴۸ نفر نیز اقدامات لازم انجام شد. امسال ۴۱۷ نفر برای بیمه و ۱۳۳ نفر برای دریافت وام به صندوق اعتباری معرفی شدند.

عبدالرضا سهرابی، مدیرکل هنرهای تجسمی در این نشست ضمن تقدیر از اصحاب رسانه برای عملکردشان در حوزه پوشش اخبار جشنواره تجسمی فجر و همچنین نمایشگاه‌های مرتبط با آن، درباره علت تشکیل این جلسه گفت: خیلی خرسندم که در روزهای آخر سال کنار هم هستیم. در طول یک‌سال گذشته احساس می‌کنم هرگونه حرکت موفقیت‌آمیزی در همه حوزه‌ها در کنار رسانه شکل گرفت. امروز جایگاه رسانه در جهان را مشاهده می‌کنیم و در جریان تاثیر آن هستیم.

او در ادامه با اشاره به حضور ۱۰ ماهه‌اش در مرکز هنرهای تجسمی، خاطرنشان کرد: از زمانی که من در خدمت‌تان هستم، بین مرکز هنرهای تجسمی و اصحاب رسانه هم‌افزایی شکل گرفته و امروز ما را در این موقعیت قرار داده که موقعیت قابل دفاعی است.

سهرابی همچنین با اشاره به اهمیت نقدهای رسانه‌ها، در این زمینه اظهار کرد: ما با توجه به نقدهای رسانه‌ها، برخی از رویکردها را تغییر دادیم و به نگاه شما هم اهمیت می‌دهیم. این نکته خیلی مهم است که نقد کنار انصاف و تخصص واقعا سازنده و کمک‌دهنده است. این نقدها راهبردهایی را بر ما نمایان می‌کند که ان شاءا... موفقیت‌آمیز باشد.

دریچه

انتشار «از سماع تا حضور»

«از سماع تا حضور» عنوان یکی از تازه‌ترین آثار منتشرشده در بازار موسیقی است که در حوزه موسیقی ردیف دستگاهی ایران به مدیریت علی بهرامی‌فرد، آهنگسازی فرزین کشاورز، حسین خواس، امیر مولایی، مهرنوش ذوالفقاری و میلاد محمدی توسط نشر ماهور در دسترس شنوندگان قرار گرفته است.

«حرمان - پیش‌درآمد» - «خموشی» و «سرور - رِنگ» به آهنگسازی فرزین کشاورز در دستگاه سه‌گاه، «باد» و «گلچهره - چهار مضراب» به آهنگسازی حسین خواس در آواز ابوعطا، «معبر» و «چرخه مضمر» به آهنگسازی امیر مولایی در دستگاه چهارگاه، «فغان» و «خروش» به آهنگسازی مهرنوش ذوالفقاری در دستگاه شور، «سراب - روایتی آوازی در راست پنجگاه» و «سماع سرور - چهار مضراب» به آهنگسازی میلاد محمدی آثاری است که در این آلبوم منتشر شده. نواخته‌ها و تصنیفات نوازندگان جوان این مجموعه گاه به روایت میرزا حسینقلی فراهانی از ردیف موسیقی دستگاهی ایرانی نزدیک می شود و گاه متاثر از موسیقی نواحی مختلف ایران، شادمانه‌هایی را در برمی‌گیرد که برای سنتور بازتنظیم شده و گسترش یافته است.

نشر

رونمایی از قصه مادر شهید در یادمان شلمچه

آیین رونمایی از کتاب متفاوت «قصه ننه‌علی» با حضور مادر شهیدان شاه‌آبادی و نویسنده کتاب آقای مرتضی اسدی و با حضور سه راوی برجسته کشوری حسین یکتا، حسین کاجی و محمد احمدیان در یادمان شلمچه رونمایی شد. در این مراسم ،مادر شهیدان شاه‌آبادی به بیان خاطراتی از فرزندان خود پرداخت و در پایان سخنان خود همگان را به حمایت از رهبر انقلاب توصیه کرد.

محمد احمدیان از راویان دفاع مقدس در این جلسه گفت: وقتی کتاب «قصه ننه‌علی» را خواندم به خود گفتم حتما باید در این مراسم حضور داشته باشم و از این مادر باعظمت و بسیار صبور به سهم خود عرض ارادت خود را بیان کنم.

حسین یکتا از دیگر راویان برجسته کشور نیز کتاب «قصه ننه‌علی» را از بی‌نظیرترین و متفاوت‌ترین کتاب‌های منتشرشده در حوزه مادران شهدا عنوان کرد.

کتاب «قصه ننه‌علی» به همت انتشارات حماسه یاران و با نویسندگی مرتضی اسدی در ۱۸۸ صفحه به چاپ رسیده است. این کتاب روایت زندگی زهرا همایونی، مادر شهیدان امیر و علی شاه‌آبادی است.

قاب

کوشک نخبگان هدیه ایران به سازمان ملل

یکی از اقدامات منحصر به فرد محسن گلستانی، هنرمند پیکرتراش ایرانی، ساخت اثر معروف «کوشک نخبگان» شامل تندیس چهار دانشمند مطرح ایرانی حکیم ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، حکیم خیام نیشابوری و زکریای رازی است. کوشک نخبگان به عنوان بنایی یادمانی و نماد ملی و آیینی ایرانیان در سال ۸۸ طی مراسمی با حضور سفرا و شخصیت‌های فرهنگی کشورهای مختلف در سایت سازمان ملل واقع در وین اتریش نصب شد. پروژه ساخت، این اثر دو سال به طول انجامیده و برای اولین بار معماری ایرانی قبل از اسلام و معماری اسلامی در مفاهیمی مشترک در این بنا تلاقی یافته‌اند.